

روزنامه شماره ۱۰۰

یوم شنبه ۲۴ رجب چند نفر از زوار از کربلا در سعادت مراجعت کرده بودند لیکن بر آن بگونه بیرون در دره هم
۱۲۸۶

و بعد سواره ایستاد در این بین چند نفر ما را در جانب کت فخراد زقه بیرون در دره از جهت کرمین

بفرستاد به علت قرار انتظار بود که مال عجم را نمیبرد فاصله ما لاهل که در تصرف زوار هم ما کورین خوشه فاطمه را

بیاورند زوار که آمدند هم از زوار که سر کلاه را زدند فاطمه را بر کردار اینها از آنکه بیرون

باضعیف پروردگار نشسته بودند که هم در شرف ما کورین را درخت زمین ترضعیف شدت دهان روز شنبه نوشت

با تر فاطمه را کشیدند بزود بر لایه از انتظار زوار که جمع شدند بعد از پهلوان خانه و کیفیت را در حدت کورین

کار پهلوان عرض کردند سرکار خان از این نفر بسیار معترضه خبر میزدند و در زوار ابوالقاسم ترجمان را آن

زوار که رود که بر لایه اولان فخر زوار که را کشند و نا ما لاهل را کوفه بیاورند هم از زوار که اولان

خبر میزدند که رفت در منزل تصرف میزدند ابوالقاسم ترجمان رفت منزل معاون زوار که با آن چهار نفر کورین

کار پهلوان خانه بودند در بیرون مانند زوار که آمدند میگردند و در فریاد از این نفر میزدند پیش از آنکه

مطلب را تمام کنند تصرف بر شفت در این چه دادند فریاد است گفتند زوار که انظار کشند به نفس اندک هم این خانه

از زوار است در حضور خبر میزدند که گفت برین در این چه سوخته؟ راه عسکر سخت بر زوار که و چند نفر کورین

روزنامه شماره ۱۰۰
یوم شنبه ۲۴ رجب
چند نفر از زوار
از کربلا در سعادت
مراجعت کرده بودند
لیکن بر آن بگونه
بیرون در دره هم
۱۲۸۶
و بعد سواره ایستاد
در این بین چند نفر
ما را در جانب کت
فخراد زقه بیرون
در دره از جهت
کرمین
بفرستاد به علت
قرار انتظار بود
که مال عجم را نمی
برد فاصله ما لاهل
که در تصرف زوار
هم ما کورین خوشه
فاطمه را
بیاورند زوار که
آمدند هم از زوار
که سر کلاه را زدند
فاطمه را بر کردار
اینها از آنکه بیرون
باضعیف پروردگار
نشسته بودند که
هم در شرف ما کورین
را درخت زمین
ترضعیف شدت دهان
روز شنبه نوشت
با تر فاطمه را
کشیدند بزود بر
لایه از انتظار
زوار که جمع شدند
بعد از پهلوان خانه
و کیفیت را در حدت
کورین
کار پهلوان عرض
کردند سرکار خان
از این نفر بسیار
معترضه خبر میزدند
و در زوار ابوالقاسم
ترجمان را آن
زوار که رود که
بر لایه اولان
فخر زوار که را
کشند و نا ما لاهل
را کوفه بیاورند
هم از زوار که
اولان
خبر میزدند که
رفت در منزل
تصرف میزدند
ابوالقاسم ترجمان
رفت منزل معاون
زوار که با آن
چهار نفر کورین
کار پهلوان خانه
بودند در بیرون
مانند زوار که
آمدند میگردند
و در فریاد از این
نفر میزدند پیش
از آنکه
مطلب را تمام
کنند تصرف بر
شفت در این چه
دادند فریاد است
گفتند زوار که
انظار کشند به
نفس اندک هم این
خانه
از زوار است در
حضور خبر میزدند
که گفت برین در
این چه سوخته؟
راه عسکر سخت
بر زوار که و
چند نفر کورین
کار پهلوان خانه
بسیار گفت
پنهان زدن سر
کی از فرشته
ها کار پهلوان
که جا شست
و با آن گفت
خوردیم هیچ
چیز نماند